

علی محمد نجفی بروجردی

عنایت عظیم الهی او را به محضر آیت الله سید علی قاضی راه داد که تاثیری عمیق بر وی گذاشت...



ولادت : 1312ق.

محل ولادت: بروجرد

وفات: 1395ق.

محل دفن: بروجرد

اساتید: حضرات میرزا محمد حسین نائینی ، آقا ضیاءالدین عراقی ، محمد حسین غروی اصفهانی و...

استاد عرفان : آقا سید علی قاضی طباطبایی

شاگردان: شیخ عباس قوچانی ، شیخ حسنعلی نجابت، سید احمد فهری و...

تالیفات: رسائلی در فقه و اصول

عنایت عظیم الهی او را به محضر آیت الله سید علی قاضی راه داد که تاثیری عمیق بر وی گذاشت و شیخ علی محمد را که مجتهدی مسلم و در مباحثات و مجادلات علمی یکه تاز بود و سری پرشور و زبانی رسا داشت یکباره در سکوتی حیرت آور فرو برد.

جو نامناسب نجفی ان روز روی آوردن به مباحث عرفانی را بر نمی تابید. به او گفتند: پیش قاضی می روی ؟ او تو را از اجتهاد ساکت می کند.

به امر آیت الله سید حسین بروجردی در 1375ق از نجف به بروجرد بازگشت ولی از پذیرفتن مرجعیت سر باز زد و به تدریس و اقامه جماعت مشغول شد.

روزی در مدرسه طلبه هایی را که تازه مقدمات می خواندند جمع کرد و به آنها گفت : من تا ده روز به شما درس می دهم وقتی به ایشان اعتراض شد ، پاسخ داد: این نفس خبیث است . وقتی بزرگانی در درس خارج من جمع می شوند، دیدم خودم را گم می کنم ، ترسیدم که نکند دنیا ره ما رو کرده باشد.

به مناسبتی امام جماعت های دیگر نمازشان را تعطیل کرده همه در جماعت او شرکت کردند ، بعد از نماز جمعیت زیادی پشت ایشان راه افتاد. فرزندش به او گفت : آقا جان !

آقای بروجردی هم در قم چنین نمازی نخوانده ! ایشان به گریه افتاد و گفت : گول این جمعیت را نخور، با خدا بساز ، این جمعیت با یک پیش ، پیش می آید و با یک کیش می رود. و این چنین همواره پاسبان دلش بود. وی تا پایان عمر در نهایت سادگی زیست و تا آخر عمر در خانه اجاره ای به سر برد.

ولادت: 1279ق.

محل ولادت: اصفهان

وفات: 1361ق.

محل دفن: مشهد

محل تحصیل: اصفهان ، نجف

اساتید: حضرات سید مرتضی کشمیری ، جهانگیر خان قشقایی، سید محمد فشارکی و...

استاد عرفان : شیخ محمد صادق تخته فولادی

این عارف شهیر از جمع علوم ظاهری و باطنی بهره فراوان داشت و معتقد بود که بعد از تحصیل علوم واجب همچون توحید ، ولایت و احکام شریعت تحصیل سایر علوم نیز لازم و ممدوح و جهل به آن ها مذموم و ناپسند است . ایشان فقه و تفسیر و هیئت و ریاضیات را برای طلاب تدریس می کرد اما با آنکه در فلسفه و علوم الهی تبحر داشت تدریس نمی کرد و می فرمود: بخشی از معطلات حکمت و فلسفه جز به مکاشفه حل شدنی نیست و طالب این علم باید اخبار معصومین (ع) را کاملا مطالعه کرده باشد.

از ایشان کرامات بسیاری نقل است که از آن در خدمت به خلق استفاده می کرد و به فرزندش توصیه می کرد ، ریاضت تو

خدمت به خلق خداست . شخصی می گفت : برادرم به علت حمله صرع در جوی آب افتاد و آب جنازه او را زیر پلی برد. پس از دو ساعت جنازه را بیرون کشیدم با ناراحتی نزد شیخ حسنعلی رفته ، ماجرا را گفتم . ایشان با انگشت خود به پیشانی جنازه اشاره کرد و دعایی خواند . ناگاه برادرم عطسه ای کرد و برخاست!

اما کرامات واقعی او سجده های طولانی و سوز و گداز شبانه و پروای الهی او بود شب های زمستانی بر بام حرم رضوی سر به سجده می نهاد و چون سحرگاه به سراغ او می آمدند می دیدند برف بسیار بر پشتش نشسته است . هر سال سه ماه رجب شعبان و رمضان و ایام البیض را روزه بود و شب ه تا صبح نمی آرمد. یک بار در صحن عتیق رضوی در حالت مکاشفه حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام را دید که جنب ایوان عباسی نشسته اند و زوار را نظاره می کنند پس وصیت کرد که او را در همان محل استقرار کرسی امام علیه السلام به خاک بسپارید.

فرزندش می گوید: به دستور پزشکان پدرم در بیمارستان بستری شد . روزی در راه بیمارستان چشمم به صحنه ای افتاد. چون به خدمت پدر رفتم ، مرا مواخذ کرد . عرض کردم به عمد خطایی مرتکب نشدم . فرمود: نمی دانم ولی تو که در خیابان جویای کسی نبودی، چرا نگاهت را گرداندی تا به نامحرمی تصادف کند؟!